



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2025.21874.2467

The Verification of Muwassaq (Authenticated) Narration from the Viewpoint of Allame Helli

Sayyed Mohammad Saleh Ghaboolidorafshan¹

Abbasali Soltani^{2*}

Mohammadtaqi Fakhlaei³

Abstract

from Theoretical Foundations to Jurisprudential Applications Muwassaq (authenticated) Narration, as a type of Wahid Narrations, has an important place in jurisprudential deductions. The authenticity or invalidity of the narrator's religious branch are two main elements of Muwassaq (authenticated) narration. The role of invalidity of the narrator's religious branch has always been controversial. Allame Helli is among those jurists who consider the invalidity of the narrator's religious branch in verifying the Muwassaq (authenticated) Narration. Allame Helli who is among the pioneers of dividing the Muwassaq (authenticated) Narration according to the narrator's characteristics, does not regard Muwassaq (authenticated) Narration as valid due to the invalidity of the narrator's religious branch and from this perspective, disagrees with predecessors such as Shaikh Tusi. By examining Allame's Works in the fields of principles of jurisprudence, Ilm al-Rijal and jurisprudence, on the face of it, a contradict appears between the theory of Muwassaq (authenticated) Narration and his practice of applying this narration in jurisprudential deduction. Nevertheless, the present paper, through detailed analysis of Allame Helli's dual interaction with Muwassaq (authenticated) Narration in the form of two positive and negative attitudes, indicates that in addition to being stable in applying his theories in the field of principles of jurisprudence and Rijal, Allame Helli has adopted a similar approach to that of previous jurist such as Shaikh Tusi.

Keywords

Allame Helli, Muwassaq (authenticated) Narration, Verification of narration, Invalidity of Religious Branch, Weakness of Proof, Itizad by Using Conjectures.

Article Type: Research

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University of Mashhad. Email: se.ghaboolidorafshan@mail.um.ac.ir
2. Responsible Author, Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University of Mashhad. Email: soltani@um.ac.ir
3. Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University of Mashhad. Email: fakhlaei@um.ac.ir

Received on: 22/04/2025

Accepted on: 15/07/2025

Copyright © 2025, Ghaboolidorafshan, Soltani & Fakhlaei

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۱-۲۵۸۸-۲۸۹۵
فکس: ۰۲۱-۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2025.21874.2467

اعتبارسنجی خبر موثق از نگاه علامه حلی: از مبانی نظری تا تطبیقات فقهی

^۱ سید محمد صالح قبولی درافشان^۱

^۲ عباسعلی سلطانی^۲

^۳ محمد تقی فخلعی^۳

چکیده

خبر موثق از انواع خبر واحد در استنباط فقهی جایگاه مهمی دارد. وثاقت و فساد مذهب راوی دو رکن اصلی در خبر موثق محسوب می شود. نقش فساد مذهب راوی در سنجش اعتبار خبر موثق، همواره بحث برانگیز بوده است. علامه حلی از جمله فقیهانی است که نقش فساد مذهب را در اعتبارسنجی خبر واحد مؤثر دانسته است. علامه حلی از جمله پیشگامان تقسیم خبر واحد به لحاظ صفات راوی، خبر موثق را به جهت فساد مذهب راوی معتبر نمی داند و در این زمینه با دیدگاه پیشینیانی مانند شیخ طوسی اختلاف نظر دارد. با بررسی آثار علامه حلی در حوزه های اصول، رجال و فقه، به نظر می رسد در نگاه اول تناقضی بین نظریه عدم اعتبار خبر موثق و عملکرد وی در به کارگیری این نوع خبر در استنباط فقهی وجود دارد. با این حال پژوهش حاضر با تحلیل دقیق تعامل دوگانه علامه حلی با خبر موثق در قالب رویکرد سلبی و ایجابی نشان می دهد که علامه حلی نه تنها در تطبیق نظریه های اصولی و رجالی خود پایدار است، بلکه در عمل، رویه ای مشابه فقهای پیشین همچون شیخ طوسی دارد.

کلیدواژه ها

علامه حلی، خبر موثق، اعتبارسنجی روایت، فساد مذهب راوی، ضعف سند روایت، اعتضاد به قرائن.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد. se.ghaboolidorafshan@mail.um.ac.ir

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول). soltani@um.ac.ir

۳. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد. fakhlaei@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

از میان منابع استنباط حکم شرعی، سنت به عنوان گسترده‌ترین و جزئی‌ترین دلیل شرعی، نقش منحصر به فردی از سایر ادله ایفا می‌کند. با شکل‌گیری سنت، روایت آن در قالب خبر به عنوان مهم‌ترین راه دستیابی به سنت، شکل گرفت و از ابتدا دو رکن اساسی آن یعنی مضمون و مسیر انتقال خبر، مورد توجه اصحاب امامیه قرار گرفت. نسبت به مسیر انتقال خبر، اطمینان از انتساب آن به معصوم (ع) همواره دغدغه‌ای اساسی برای اصحاب ائمه و سپس علمای امامیه بوده است. در طول تاریخ برای پاسخ به این دغدغه، دو رویکرد متفاوت درباره اعتبار خبر واحد در میان علمای امامیه پدید آمد. هر دو رویکرد متأثر از تعریف معتزله از مفهوم خبر قرار داشته که از میانه سده سوم، خبر را به گزاره‌ای اطلاق کردند که احتمال صدق و کذب آن وجود دارد؛ تعریفی که در واقع منطبق بر مفهوم قضیه منطقی است. این نگاه، جایگاه خبر را تا مرز شک و تردید پایین آورده و به اصول فقه شیعه نیز راه یافت (میرزائی، ابراهیمی‌زاده، ۱۳۹۶ش، ۱۰۹).

با توجه به این نکته رویکرد نخست که شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ق، ۴۴) و سیدمرتضی (علم‌الهدی، ۱۴۰۵ق، ۳: ۲۷۰) به آن قائل بودند، خبر واحد تنها در صورت علم به انتساب آن به معصوم معتبر بود. در این رویکرد، تنها خبر واحد مقرون به قرائن علمی معتبر هست. رویکرد دوم با پیشگامی شیخ طوسی آغاز شد. در این رویکرد، خبر واحد غیر علمی هم حجت است. شیخ طوسی دامنه حجیت خبر واحد را گسترش داد و حتی اخبار راویان دارای عقیده ناصحیح و اخبار فاقد سند کامل را در شرایطی معتبر دانست (علم‌الهدی، ۱۳۹۲ش، ۱۱۱). علامه حلی فقیه برجسته مدرسه حله در قرن هفتم با توجه به این دو رویکرد (حلی، ۱۴۳۰ق، ۴۴۲) راه شیخ طوسی را ادامه داد. او نه تنها حجیت خبر واحد غیر علمی را پذیرفت، بلکه بر صفات راویان برای اعتبارسنجی خبر تأکید ویژه‌ای کرد. بر این اساس در آثار علامه حلی اقسام خبر واحد بر اساس صفات راوی پدید آمد. دیدگاه علامه در تقسیم خبر واحد بر پایه صفات راوی در مبحث حجیت خبر واحد در کتاب نه‌ایة‌الوصول قابل ملاحظه است. از دیدگاه اصولی علامه حلی، شرط اعتبار خبر واحد، ایجاد ظن غالب به انتساب آن از معصوم است. برای ایجاد این ظن، راوی باید صفاتی مانند عدالت، عقل، بلوغ، اسلام و ضبط داشته باشد (حلی، ۴۲۵ق، ۳: ۴۱۴).

علامه در مقدمه هشتم منتهی‌المطلب خبر واحد را بر پایه اوصاف راویان به سه قسم صحیح، حسن و موثق تقسیم کرد (حلی، ۱۴۱۲ق، ۹: ۹). از میان این اقسام آنچه

موضوع نوشتار حاضر است به طور خاص قسم سوم یعنی خبر موثق است. خبر موثق خبری است که حداقل یک راوی در سند آن به امامت ائمه اثنی عشر (ع) اعتقاد ندارد؛ با این حال دارای وثاقت در نقل است (حلی، ۱۴۱۲ق، ۹: ۱). در نگاه علامه چون در خبر موثق شرط عدالت به دلیل عقیده ناصحیح راوی محقق نیست، این نوع خبر از نظر اصولی بی اعتباری است و علامه بارها در مباحث رجالی و فقهی بر بی اعتباری آن تأکید کرده است (حلی، ۱۴۲۵ق، ۳: ۴۱۴).

با این حال در تطبیقات فقهی، علامه حلی بارها از اخبار موثق به عنوان دلیل حکم شرعی استفاده کرده است. به طور کلی در این مقاله به دنبال آن هستیم ابتدا دیدگاه فقهی متقدم و فقهی هم عصر علامه حلی را در مواجهه با خبر موثق بررسی کنیم. سپس در گام دوم، ناظر به آرای رجالی و اصولی علامه حلی، به تبیین رویکرد عملی وی در بستر فقه در مواجهه با خبر موثق پردازیم. بطور خلاصه این مقاله در پی پاسخ به این پرسش اصلی است: آیا علامه حلی در برخورد عملی با خبر موثق در فقه در چارچوب مکتب متقدمان گام برداشته یا رویکرد جدیدی را اتخاذ کرده است؟

در بررسی پیشینه موضوع، پژوهش‌های متعددی به تحلیل رویکرد علامه حلی در مواجهه با خبر موثق پرداخته‌اند و هر یک متناسب با موضوع خود به بخشی از ابعاد آن نظر داشته‌اند. نوآوری پژوهش حاضر این است که برای نخستین بار، مسئله اعتبار خبر موثق از منظر علامه حلی، با تمرکز بر سه حوزه اصول، رجال و فقه، در کنار هم بررسی می‌شود. در ادامه، مهم‌ترین مقالات مرتبط با موضوع مرور گشته و نقاط تمایز این نوشته با آنها تبیین می‌شود:

۱. مقاله «علامه حلی و ریشه‌های شکل‌گیری مکتب سند در تفکر امامی» (حب‌الله، ۱۳۸۶ش)، نویسنده در بخشی از مقاله به تناقض رفتاری علامه حلی در پذیرش و رد خبر غیر امامی اشاره می‌کند؛ از جمله این‌که گاهی به دلیل عمل اصحاب، روایات راویان غیر امامی پذیرفته شده و گاه رد شده است. در نوشته حاضر، با رویکرد تحلیلی ثابت می‌شود که علامه حلی در مواجهه با اخبار موثق، از انسجام منطقی برخوردار است و تناقض رفتاری ندارد.

۲. مقاله «چرایی تقسیم بندی حدیث و رویکرد فراسندی در تعامل با روایات» (افراخته، ۱۳۹۷ش)، با هدف رد فرضیه نابودی منابع روایی نگاشته شده است. نویسنده به درستی اصل عملکرد علامه حلی را در عمل به اخبار موثق در صورت عدم تعارض و وجود قرائن تبیین می‌کند، اما اولاً بین دو کتاب فقهی مختلف الشیعه و منتهی المطلب

تفاوت روشی قائل است. ثانیاً به دلیل موضوع مقاله فرصت کافی برای بررسی جامع دیدگاه علامه با استناد به آثار اصولی، رجالی و فقهی وی ندارد. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی با استنادات گسترده به آثار علامه حلی و با اثبات انسجام روشی بین کتاب مختلف الشیعة و منتهی المطلب، این خلأ را پر کرده است.

۳ و ۴. دو مقاله «واکاوی سیر تطور نظریه انجبار در مکتب حله» و «چگونگی مواجهه علامه حلی با اخبار آحاد» (مصطفوی فر، عبادی، ۱۴۰۱ ش، ۱۴۰۲ ش) به درستی نشان می‌دهند که علامه حلی ضمن تأکید بر اعتبار سند، به عمل مشهور به عنوان قرینه‌ای برای جبران ضعف سند پایبند است. با این حال دامنه تحلیل این دو مقاله به نقش شهرت در پذیرش خبر موثق محدود می‌شود. پژوهش حاضر با گسترش این چارچوب، نه تنها قرائن مختلف پذیرش خبر موثق را بررسی می‌کند، بلکه مصادیق رد خبر موثق در فقه را نیز بررسی می‌کند. این تحقیق نشان می‌دهد علامه حلی حتی در موارد عدم پذیرش خبر موثق، آن را در چارچوب فهم پیشینیان تبیین کرده است.

۲. مباحث اصلی

۲-۱. فساد مذهب راوی

فساد مذهب راوی عبارت است از انحراف اعتقادی در اصول مسلم امامیه یا فروع مرتبط با آن (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ۲: ۳۱۶) این انحراف گرچه نقصی برای راوی محسوب می‌شود، اما پرسش اساسی در مورد تأثیر آن بر اعتبار خبر است. مهم‌ترین بازتاب این تأثیرپذیری، در اخباری رخ می‌نماید که نزد متأخران موثق نام گرفته است. یک راوی گرچه ممکن است از نظر اعتقادی منحرف باشد، با این حال می‌تواند در نقل روایت راستگو باشد. در مواجهه با این مسئله، متقدمان امامی فساد مذهب را مانع اعتبار روایت نمی‌دانستند؛ حال آن‌که فقیهان مدرسه حله غالباً نسبت به اخبار موثق رویکردی سخت‌گیرانه اتخاذ کردند. این تفاوت مبنایی، نیازمند تبیین اختلاف دو مکتب است.

۲-۱-۱. فساد مذهب راوی در نگاه متقدمان

در اعتبارسنجی خبر نزد قدما محور اصلی، اعتماد اصحاب امامیه به مؤلفات و عمل یا اعراض آنان به خبر است. با این حال صفات راویان در سند به عنوان یک قرینه فرعی مورد توجه بوده است (حب‌الله، ۱۳۸۶ ش، ۱۲۳). از جمله این صفات، فساد مذهب راوی است.

در میان متقدمان تأثیر انحراف مذهب راوی در صحت سنجی روایت، مورد توجه شیخ صدوق قرار گرفته است. وی در مقدمه من لایحضر تصریح می‌کند که روایات این کتاب از مصادر معتمد و مشهور امامیه اخذ شده‌اند (صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۱: ۳) با بررسی اسناد کتاب روشن می‌شود که راویان فاسدالمذهب و ثقه در نقل، در سند بسیاری از روایات حضور دارند؛ با این حال شیخ صدوق صرفاً به دلیل فساد مذهب، روایت را تضعیف نکرده بلکه به آن‌ها فتوا داده است. استثنای کلیدی در رویکرد صدوق، موارد تعارض روایت فاسدالمذهب با روایت صحیح المذهب است. شیخ صدوق در دو مسئله به طور مشخص در کتاب الصوم، «بَابُ مَا يَجِبُ عَلَى مَنْ أَفْطَرَ أَوْ جَامَعَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا أَوْ نَاسِيًا» (صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۲: ۱۲۱) و «بَابُ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ» (همان، ۱۳۹)، به دلیل وافقی مذهب بودن راوی، روایت وی را کنار نهاده و علت را فساد مذهب راوی اعلام کرده است.

شیخ طوسی از آخرین فقهای عصر متقدم در آثار اصولی، رجالی و فقهی خود اصول ثابتی درباره فساد مذهب راوی اتخاذ کرده است. وی همچون شیخ صدوق، اصل اولیه را بر اعتبار خبر فاسد المذهب قرار داده و تنها حالت تعارض با ادله معتبر را استثناء می‌کند. وی در «العدة فی أصول الفقه» (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ۱: ۶۱) در دو فصل از باب «الکلام فی الأخبار» رویکرد خود را تبیین کرده است. نخست در فصل چهارم به این نکته اشاره دارد که در صورت احراز وثاقت در نقل، عمل به روایت راوی فاسدالمذهب جایز است، حتی با وجود انحراف اعتقادی وی (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ۱: ۱۳۳).

همچنین در فصل پنجم به مناسبت از بیان قرآنی که سبب اخذ یا رد خبر واحد می‌شود، در مواجهه با روایت فاسدالمذهب، سه حالت را متصور دانسته است. حالت اول وجود قرینه موافق همچون روایت صحیح المذهب با مضمون روایت فاسد المذهب است که طبق نظر شیخ طوسی عمل به روایت فاسدالمذهب واجب است. حالت دوم وجود قرینه مخالف همچون روایت صحیح المذهب یا فتوای فقهای امامیه با روایت فاسدالمذهب است که در این صورت روایت فاسدالمذهب کنار می‌رود. حالت سوم عدم وجود موافق و مخالف است که در این صورت شیخ طوسی عمل به خبر فاسدالمذهب را واجب می‌داند (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ۱: ۱۵۰).

در مقدمه کتاب فهرست، اثر رجالی شیخ طوسی به این نکته تصریح شده است که بسیاری از آثار معتبر حدیثی شیعه توسط راویان فاسدالمذهب نگاشته شده است (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۳). همچنین شیخ طوسی در ابواب فقهی مختلف در تهذیب و استبصار، بین

روایاتی که در سند آن راویان عدل امامی قرار دارد با روایات موثق به اصطلاح متأخرین، تفاوتی در استدلال قائل نمی‌شود و تنها در موارد تعارض به رد روایات فاسدالمذهب اقدام می‌کند. شیخ طوسی در تهذیب «بابُ المِیاه و أَحْکامِها» و در استبصار باب ۱۷ از «أَبْوَاب حُکْم الْأَبَار» روایتی از حسن بن صالح الثوری، راوی بتری مذهب را به جهت تعارض با روایات صحیح کنار گذاشته است (طوسی، ۱۳۶۳ ش، ۱: ۳۳؛ ۱۳۶۵ ش، ۱: ۴۰۸). همچنین در دو مبحث فقهی در کتاب الصلاة و کتاب البیوع استبصار، روایاتی از عمار ساباطی، راوی فطحی مذهب را در مقام تعارض با روایات صحیح کنار نهاده است (طوسی، ۱۳۶۳ ش، ۱: ۳۷۲، ۳: ۹۳).

۲-۱-۲. فساد مذهب راوی در نگاه فقیهان حله

از جمله عوامل تأثیرگذار در اعتبار خبر از نگاه فقهای مدرسه حله، فساد مذهب راوی است. بررسی آثار اصولی، رجالی و فقهی این مکتب نشان می‌دهد که تضعیف روایات به دلیل انحراف اعتقادی راوی، رویکردی رایج بوده است. بیشتر فقهای حله، جز در موارد همراهی قرائن معتبر، اعتباری برای خبر موثق قائل نشده‌اند. در این میان ابن‌ادریس حلی رویکرد سخت‌گیرانه‌ای را در برابر راویان فاسدالمذهب دارد؛ تا جایی که عبارات تنیدی را در ذم راویان فاسدالمذهب همچون عمار ساباطی (ابن‌ادریس حلی، ۱۳۸۷ ش، ۸: ۳۹۳)، عبدالله بن بکیر (همان، ۱۲: ۴۱۶)، بنوفضال (همان، ۹: ۲۲۲) و سکونی (همان، ۱۲: ۴۴۱) بیان داشته است.

برخی محققان این نگاه سخت‌گیرانه را متأثر از مبنای عقل‌گرایانه و آمیخته با باورهای کلامی سیدمرتضی و ورود آن به عرصه اعتبارسنجی می‌دانند (حسین‌پوری، ۱۳۹۷ ش، ۱۹۷). سیدبن طاووس از فقهای شاخص مدرسه حله در اعتبارسنجی اخبار، بیش از آن که متمایل به اکثریت فقهای مکتب حله باشد، مشابَهت زیادی به متقدمین دارد. وی در نحوه برخورد با فساد مذهب راوی مانند قدما، اصل اولی را بر اعتبار خبر موثق گذاشته است (ابن‌طاووس، ۱۴۰۹ ق، ۲۹۲؛ همو، ۱۴۱۵ ق، ۵۱؛ همو، ۱۳۷۶ ش، ۱: ۳۱). محقق حلی فقیه سرآمد مکتب حله ایمان را شرط پذیرش خبر راوی می‌داند و فساد مذهب را مصداق فسق جوانحی دانسته است (محقق حلی، ۱۳۶۴ ش، ۲۱۵). وی در شرایع الإسلام (همو، ۱۴۰۸ ق، ۴: ۸۸)، المعتبر (همو، ۱۳۶۴ ش، ۱: ۱۲۰) و النهایة و نکتها (همو، ۱۴۱۲ ق، ۳: ۲۱) طبق همین مبنا عمل کرده و روایات فاسدالمذهب را کنار نهاده است. ابن‌داوود حلی در رجال، راویان دارای فساد مذهب را حتی با وجود توثیق رجالیان

متقدم، در زمره مجروحین ثبت کرده است (تقی الدین حلی، ۱۳۴۲ ش، ۱۱، ۱۳۵). این نگاه سخت‌گیرانه در آثار سایر فقهای حله مانند فاضل آبی در کشف الرموز (۱۴۰۸ ق، ۱: ۱۳۴؛ همو، ۱۴۰۸ ق، ۱: ۵۴۵)، ابن سعید حلی در نزهة الناظر (بی تا، ۱۵۱، ۱۵۴)، فاضل اعرجی در کنزالفوائد (۱۴۱۶ ق، ۳: ۷۵۲، ۸۲۷)، ابن زهدری حلی در ایضاح ترددات الشرائع (۱۳۸۶ ش، ۱: ۷۶، ۱۶۷)، فاضل مقداد سیوری در التنقیح الرائع (۱۳۸۷ ش، ۲: ۱۱۰، ۱۳۸۷ ش، ۴: ۴۰) و ابن فهد حلی در المذهب البارع (۱۴۰۷ ق، ۴: ۲۲، ۵۳۷) بازتاب یافته است.

۲-۱-۳. مبنای نظری علامه حلی در مواجهه با فساد مذهب راوی

علامه حلی به عنوان فقیه شاخص مکتب حله به تبع سایر فقهای این مدرسه، فساد مذهب را در اعتبارسنجی خبر مؤثر می‌داند. وی در منتهی المطلب اصطلاح موثق را برای روایاتی تعریف می‌کند که برخی راویان آن‌ها از فرق غیر امامی مانند فطحیه و واقفیه بوده، با این حال دارای توثیق باشند (حلی، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۹).

اگرچه علامه در منتهی المطلب به صراحت درباره اعتبار خبر موثق سخن نمی‌گوید، اما شواهد متعدد نشان‌دهنده عدم پذیرش خبر موثق از دیدگاه اوست. علامه در مواضع متعددی از فقه، روایت راوی ثقه و فاسدالمذهب را صرفاً به دلیل فساد مذهب تضعیف کرده است (حلی، ۱۴۱۳ ق، ۳: ۱۰۰). همچنین در رجال با عباراتی مانند: «فَلَا أَعْتَمِدُ عَلَى رِوَايَتِهِ» (حلی، ۱۴۰۲ ق، ۱۲۰، ۱۹۷)، «وَعِنْدِي فِي رِوَايَتِهِ تَوْقُفٌ» (همان، ۱۵۸، ۲۰۰، ۲۴۲)، موضع روشنی علیه اعتماد به روایات موثق اتخاذ کرده است. افزون بر این، در مباحث اصولی و فقهی عدالت راوی را شرط لازم برای اعتبار خبر واحد دانسته است (حلی، ۱۳۸۰ ش، ۲۳۰؛ همو، ۱۴۲۵ ق، ۳: ۴۱۴؛ همو، ۱۴۰۴ ق، ۲۰۸؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ۲: ۷۲).

از طرفی فساد مذهب راوی در نظر علامه از جمله مصادیق فسق بلکه بالاترین درجات فسق محسوب می‌شود. دلیل این مطلب کلام شهیدثانی در رساله‌ای است که در آن حواشی خود را بر رجال علامه حلی مرقوم داشته است. شهیدثانی در مدخل ابان بن عثمان از راویان ناووسی مذهب، سخنی را به نقل از فخرالمحققین از علامه حلی نقل می‌کند: «قَالَ الْإِمَامُ فَخْرُ الْمُحَقِّقِينَ وَلَدُ الْمُصَنِّفِ رَحِمَهُ اللَّهُ: سَأَلْتُ وَالِدِي قَدَسَ اللَّهُ سِرَّهُ عَنْهُ [أَبَانَ بْنَ عُثْمَانَ] فَقَالَ: الْأَقْرَبُ عِنْدِي عَدَمُ قَبُولِ رِوَايَتِهِ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: (إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا)، وَلَا فِسْقٌ أَعْظَمُ مِنْ عَدَمِ الْإِيمَانِ» (شهیدثانی، ۱۳۷۹ ش، ۲: ۹۱۱). بر این اساس، عدم ایمان ناشی از فساد مذهب، عدالت راوی را منتفی می‌کند و شرط اساسی اعتبار خبر را مخدوش می‌سازد.

۲-۲. تحلیل عملکرد فقهی علامه حلی در مواجهه با خبر موثق

پس از تبیین نظریه علامه مبنی بر عدم حجیت خبر موثق، تحلیل و بررسی رویکرد وی نسبت به اخبار موثق در فقه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رویکرد علامه حلی در بستر تطبیقات فقهی نشان‌دهنده میزان تطبیق نظریه عدم حجیت خبر موثق است. در رویکرد فقهی علامه حلی نسبت به خبر موثق شاهد دو رفتار سلبی و ایجابی هستیم. رفتار سلبی به این معنا است که علامه طبق قاعده، پایبند به عدم اعتبار خبر موثق است. با این حال جایگاه تضعیف خبر موثق در مسئله فقهی قابل تأمل است؛ زیرا که تقریباً همه موارد تضعیف، در فضای تعارض با ادله قوی‌تر رقم خورده است. از طرف دیگر در تطبیقات فقهی با انضمام قرائن شاهد تعامل ایجابی نسبت به اخبار موثق هستیم که سبب خروج تعداد فراوانی از اخبار موثق از اصل عدم حجیت است. این دوگانگی در تعامل عملی، بدون تحلیل دقیق، موجب برداشت نوعی ناسازگاری در عملکرد فقهی علامه حلی شده است (شهیدثانی، ۱۴۱۱ق، ۹: ۵۴۳؛ حب‌الله، ۱۳۸۶ش، ۱۳۵). بررسی جداگانه مصادیق هر یک از این دو رویکرد در فقه، می‌تواند دیدگاه واقعی علامه حلی را درباره حجیت خبر موثق روشن‌تر ساخته و ناسازگاری ظاهری را برطرف کند.

۲-۲-۱. تعامل سلبی با خبر موثق

علامه حلی هرچند در مقام نظریه، روایت موثق را ضعیف‌السنند می‌داند، با این حال تعامل وی با این‌گونه اخبار در فقه مشابه متقدمان است. پس از بررسی کتب استدلالی علامه به ویژه مختلف‌الشیعة و منتهی‌المطلب نتیجه حاصل این شد که تضعیف خبر موثق به طور میانگین بیش از ۸۰ درصد در تعارض با اخبار صحیح یا حسن، ۱۰ درصد در تعارض با اجماع و شهرت و ۱۰ درصد در برابر سایر موارد همچون عموم آیات و اطلاق روایات و اصول عملیه رخ داده است.^۱ در بسیاری از تطبیقات فقهی چینش ادله

۱. با فحص صورت گرفته موارد ذیل به دست آمده است:

* خبر موثق در تعارض با اخبار صحیح یا حسن: علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۱، ۲۸۰، ۳۱۶، ۳۳۴، ۴۱۳، ۴۲۷، ۴۵۴، ۴۸۹، ۴۹۳، ۲: ۲۶، ۷۱، ۷۹، ۸۷، ۹۷، ۹۹، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۲۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۷۷، ۴۰۸، ۳: ۲۹، ۹۹، ۱۸۴، ۲۱۱، ۴۱۴، ۴۴۰، ۴۷۱، ۵۲۰، ۵۵۳، ۵۵۸، ۵۶۰، ۴: ۱۳، ۴۲، ۱۹۵، ۲۱۵، ۴۵۳، ۵: ۴۰۳، ۴۰۵، ۷: ۴۷، ۲۷۵، ۲۹۰، ۳۶۲، ۳۷۶، ۳۸۶، ۲۹۷، ۴۰۲، ۴۱۱، ۴۲۴، ۴۵۴، ۴۶۶، ۸: ۳۰۹، ۵۲۰: علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۶۹، ۹۲، ۱۲۶، ۱۳۵، ۱۵۸، ۲۱۳، ۲۳۱، ۲۶۲، ۲: ۲۴۲، ۲۷۸، ۳۰۶، ۳۸۹، ۴۰۶، ۴۱۲، ۴۶۳، ۳: ۶۳، ۸۶، ۱۰۶، ۲۹۰، ۴: ۴۹، ۶۷، ۷۴، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۶۶، ۳۶۶، ۵: ۳۵۴، ۳۴، ۷۰، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۹۹، ۷: ۳۱، ۴۱، ۷۶، ۲۴۳، ۳۲۸، ۸: ۱۶۰، ۱۹۹، ۱۹۳، ۳۷۳، ۳۷۹، ۳۸۱، ۹: ۶۶، ۱۰۴، ۱۹۶، ۲۹۲، ۲۵۰، ۲۰۵، ۳۰۸، ۳۳۲، ۳۳۸، ۳۴۲، ۵۲۱، ۵۲۲، ۱۱: ۳۳۱، ۱۲: ۳۸۰، ۱۵: ۴۲۲.

* خبر موثق در تعارض با اجماع و شهرت: علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۳۷، ۲۴۹، ۲: ۶۲، ۴۱۲، ۳: ۵۳.

حاکمی از تعامل سلبی در فرض تعارض است، با این حال در برخی موارد هم تصریح شده است. به عنوان نمونه در منتهی المطلب، کتاب الصلاة هنگام بررسی وجوب تشهد در سجده سهو، علامه با استناد به صحیحه حلبی، وجوب تشهد را اثبات می کند و در برابر استدلال به موثقه عمار ساباطی از جانب مخالفان می نویسد: «أَنَّ سَنَدَ هَذِهِ الرَّوَايَةِ ضَعِيفٌ، فَلَا يُعَارِضُ الرَّوَايَةَ الصَّحِيحَةَ» (حلی، ۱۴۱۲ق، ۷: ۷۶).

همچنین در کتاب الصوم مختلف الشیعة در بحث مفطرات روزه، پس از استناد به صحیحه بزنفی، در پاسخ به استدلال مبتنی بر موثقه علی بن حسن بن فضال می نویسد: «وَالْجَوَابُ عَنِ الرَّوَايَةِ بِضَعْفِ السَّنَدِ، فَإِنَّ فِي طَرِيقِهَا عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ، وَهُمَا ضَعِيفَانِ، فَلَا تَقَعُ الْمُعَارَضَةُ بِهَا» (حلی، ۱۴۱۳ق، ۳: ۴۱۲).

این گونه عبارات، بازتاب دهنده رویکرد قدماست که پیشتر در آرای فقیهانی چون شیخ صدوق و شیخ طوسی بیان گردید. آنان در موارد تعارض اخبار فاسدالمذهب با اخبار صحیح المذهب یا تعارض با فتوای علمای امامیه، عمل به خبر موثق را جایز نمی شمردند. با این تحلیل می توان دریافت که علامه حلی، علی رغم تأسیس نظریه عدم حجیت خبر موثق، در عرصه تطبیق فقهی در بیش از ۹۰ درصد موارد، هم گام با متقدمان به ویژه شیخ طوسی عمل کرده است؛ زیرا که ضعف خبر موثق در فضای تعارض با روایات صحیح و حسن یا فتوای فقههای امامیه ظاهر شده است.

۲-۲-۲. تعامل ایجابی با خبر موثق

علامه حلی در تعامل ایجابی با اخبار موثق، دو گونه رویکرد عملی در فقه اتخاذ کرده است، نخست در احکام الزامی و دوم در احکام غیر الزامی. در حوزه الزامیات، بررسی تطبیقات فقهی نشان می دهد که علامه گاه با تصریح به ضعف سند روایت (حلی، ۱۴۱۳ق، ۳: ۲۵۳) و گاه با عبارت «فی الموثق» (حلی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۴۳۵) و گاه با اشاره به فساد مذهب راوی (همان، ۲: ۲۴۹)، خبر موثق را به عنوان مستند حکم الزامی به کار برده است. با این حال نکته مهم در عملکرد ایجابی علامه آن است که عمل به خبر موثق در احکام الزامی همواره منوط به وجود قرائن است. عدم استناد انفرادی به خبر موثق در این حوزه، پابندی علامه حلی به نظریه عدم حجیت خبر موثق را اثبات می کند. در مقابل، در احکام غیر الزامی شاهد رویکرد متفاوتی هستیم.

۱۴۵، ۲۱۳، ۴: ۳۱۶؛ ۵: ۴۳۱؛ ۶: ۲۹۳؛ ۷: ۴۲؛ ۸: ۳۳۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۷۳؛ ۵: ۸۴.

* خبر موثق در تعارض با سایر ادله: حلی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۴۴۱؛ ۲: ۱۱۴؛ ۴: ۴۴۱؛ ۵: ۲۴۸، ۳۴۹؛ ۷: ۲۹۲، ۴۵۱، ۴۴۶؛ همو، ۱۴۱۲ق، ۳: ۱۳۲؛ ۴: ۲۰۰، ۳۴۵، ۴۱۲؛ ۹: ۱۲۴.

علامه حلی در این عرصه بدون نیاز به قرائن، خبر موثق را به عنوان مستند فقهی می‌پذیرد. عدم نیاز به قرینه در جبران ضعف موثق در احکام غیر الزامی، حاکی از قبول اصل تسامح در ادله سنن است. تفکیک روشن میان دو عرصه الزامی و غیرالزامی، الگویی منسجم از تعامل ایجابی علامه با اخبار موثق در تطبیقات فقهی ارائه می‌دهد که در ادامه با مصادیق عینی آن آشنا خواهیم شد.

۲-۲-۱. تعامل ایجابی با خبر موثق در احکام الزامی

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد در احکام الزامی رویکرد علامه حلی به خبر موثق، جز در موارد معدود و قابل توجیه، همواره منوط به وجود قرائن است. این شیوه پیش از علامه حلی در آثار فقیهانی چون شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۳۴)، ابن ادریس (ابن ادریس حلی، ۱۳۸۷ش، ۱۲: ۲۵۰) و محقق حلی (محقق حلی، ۱۳۶۴ش، ۱: ۲۹، ۹۴) به چشم می‌خورد. علامه حلی در به‌کارگیری قرائن برای جبران ضعف سند خبر موثق، راه شیخ طوسی را پی گرفته و از این طریق در پی ایجاد ظن قوی است (مصطفوی‌فر، عبادی، ۱۴۰۲ش، ۱۳۳). از این منظر نوع عملکرد علامه با فقیهانی مانند ابن ادریس و محقق حلی متفاوت است. ابن ادریس و محقق حلی به جهت آن که خبر واحد را حجت نمی‌دانند، استفاده از قرائن را در همه انواع خبر واحد تعمیم داده و رسیدن به علم را دنبال می‌کنند (مصطفوی‌فر، عبادی، ۱۴۰۱ش، ۳۳۵). در نهایت باید گفت علامه حلی در بستر تطبیقات فقهی با بهره‌گیری از قرائنی مانند شهرت، تناسب مضمونی، وثاقت بالای راوی، روایات هم مضمون و اصل عملی درصدد جبران ضعف خبر موثق و فراهم آوردن امکان استناد به آن برآمده است.

الف- شهرت عملی و جبران ضعف خبر

در تطبیقات متعدد فقهی علامه حلی با وجود تصریح به ضعف روایت به دلیل فساد مذهب راوی، با انضمام شهرت یا اجماع شکل گرفته بر مضمون روایت، به ترمیم ضعف سند پرداخته است. جبران ضعف سند به سبب شهرت، رویکردی است که در کتب فقهی قبل از علامه حلی وجود دارد. بنابر گزارش شهیدثانی نخستین بار شیخ طوسی شهرت عملی را به عنوان جابر ضعف سند مطرح ساخت و پس از وی این روش در میان اکثر فقهای رواج یافت (شهیدثانی، ۱۴۰۸ق، ۹۲). در آثار فقهی علامه حلی شهرت اعم از روایی (حلی، ۱۴۱۳ق، ۸: ۴۴۶) و عملی (حلی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۲۹۱، ۲: ۲۲۰، ۶: ۱۲۹؛ همو، ۱۴۱۳ق، ۲: ۲۹۲) گاه سبب

جبران ضعف کل روایت و گاه بخشی از روایت شده است. نمونه بارز ترمیم کل روایت با تکیه بر شهرت عملی، مسئله میراث عبدی است که مالکش ثمن او را از مال مورد زکات پرداخته و پس از فوت، وارثی ندارد. اکثر فقها در این مسئله مآثرک عبد را متعلق به مساکین مؤمنین دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۳۱۵). مستند روایی مطرح در مسئله روایتی از عبید بن زراره است. حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن بکیر دو راوی ثقه و فطحی مذهب از دیدگاه علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰ق، ۳۷، ۱۰۶) در سند قرار دارند که موجب تضعیف سند از نظر علامه شده است (حلی، ۱۴۱۳ق، ۳: ۲۵۲). با این حال علامه حلی شهرت عملی اصحاب را جابر ضعف دانسته (حلی، ۱۴۱۳ق، ۳: ۲۵۲) و در منتهی المطلب تصریح می‌کند: «وَهُمَا فَطَحِيَّانٍ، غَيْرَ أَنَّ مُحَقِّقِي عُلَمَائِنَا عَلَى الْعَمَلِ بِهَا» (همان، ۸: ۴۱۵).

نمونه‌ای از ترمیم بخشی از روایت با شهرت، مسئله کیفیت تحصیل طهارت در صورت علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف و فقدان آب دیگر است. در این مسئله اجماع فقها بر وجوب تیمم است (همان، ۱: ۲۴۸). در این مسئله تنها چند تن از فقها بر خلاف اکثریت علاوه بر وجوب تیمم، ریختن آب هر دو ظرف را واجب دانسته‌اند (همان، ۱: ۲۴۹). از جمله این فقها شیخ طوسی است که با اشاره به دو روایت از عمار ساباطی (طوسی، ۱۳۶۵ش، ۱: ۲۴۸) و سماعة بن مهران (همان، ۱: ۲۲۹) و با استناد به بخش «يُهْرَقُهُمَا جَمِيعًا وَ يَتِمُّمُ»، علاوه بر تیمم وجوب ریختن را ثابت دانسته است. علامه حلی در مقام رد شیخ طوسی، عمار ساباطی و سماعة بن مهران را به جهت فساد مذهب تضعیف می‌کند (حلی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۴۹).

با این حال علامه حلی در منتهی المطلب در مسئله کیفیت تحصیل طهارت با استناد به همان بخش «يُهْرَقُهُمَا جَمِيعًا وَ يَتِمُّمُ»، وجوب تیمم را ثابت می‌کند و در مقام جبران ضعف گوید: «سَمَاعَةُ وَ عَمَّارٌ، وَإِنْ كَانَا ضَعِيفَيْنِ، إِلَّا أَنَّ الْأَصْحَابَ تَلَقَّتْ هَذَيْنِ الْحَدِيثَيْنِ بِالْقَبُولِ» (حلی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۱۷۴). علامه با اشاره به اجماع فقها بر وجوب تیمم، پذیرش بخش مرتبط با تیمم در روایت را توسط اصحاب امامیه موجب جبران ضعف می‌داند. این در حالی است که در خصوص وجوب ریختن، اتفاق نظری میان فقها وجود ندارد در نتیجه روایت در آن قسمت بر ضعف خود باقی مانده است.

ب- مناسبت مضمون و جبران ضعف خبر

علامه حلی در تطبیقات فقهی گاه با وجود تصریح به ضعف روایت ناشی از فساد

مذهب راوی، با استناد به تناسب مضمون روایت، به خبر موثق اعتبار بخشیده است. توجه به مضمون روایت به عنوان قرینه فراسندی امری نو پیدا در آثار علامه حلی نبوده بلکه پیشینه‌ای در آثار فقهای پیشین دارد؛ چنان‌که شیخ طوسی در مباحث میراث، روایت ابراهیم همدانی را به دلیل مخالفت محتوایی با قاعده الأقرب یمنع الأبعد مردود شمرده است (طوسی، ۱۳۶۵ ش، ۹: ۳۹۳).

محقق حلی در مسئله حرمت مس کتابت قرآن توسط محدث، به استناد روایت عمار ساباطی حکم حرمت را شامل اسم الله در غیر کتابت قرآن می‌داند. محقق حلی مضمون مناسب روایت در جهت تعظیم اسم الله را سبب جبران ضعف بیان کرده است (محقق حلی، ۱۳۶۴ ش، ۱: ۱۸۸).

علامه حلی هم به تبع فقهای پیشین، مضمون روایت را در اعتبارسنجی دخیل می‌داند. علامه حلی گرچه ضابطه‌ای برای مناسبت مضمون مطرح نکرده، با این حال در تطبیقات فقهی دو تعبیر «مناسب للمذهب» (حلی، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۱۵۶) و «مناسب للمعقول» (حلی، ۱۴۱۳ ق، ۳: ۵۴۳) به کار رفته است که مورد اول به مناسبت مضمون با اصول و قواعد فقهی، و مورد دوم به مناسبت مضمون با طبع عقلانی اشاره دارد. به عنوان نمونه در مسئله جواز افطار صائم مضطر، روایت سماعة بن مهران، شرب آب را در حالت اضطرار و خوف نفس تجویز کرده است (صدوق، ۱۳۶۳ ش، ۲: ۱۳۳). علامه در مواضع متعدد ذیل تطبیقات فقهی سماعة را به جهت واقعی بودن تضعیف می‌کند (حلی، ۱۴۱۳ ق، ۴: ۴۲). لذا در منتهی المطلب درصدد جبران ضعف سند، با عبارت: «الرَّوَايَةُ مُنَاسِبَةٌ لِلْمَذْهَبِ لِأَنَّهُ فِي مَحَلِّ الضَّرُورَةِ» (حلی، ۱۴۱۲ ق، ۹: ۱۳۹) و در تحریر الأحکام با عبارت: «وَهِيَ جَيِّدَةٌ» (حلی، ۱۴۲۰ ق، ۱: ۴۸۰) تناسب مضمون با قاعده فقهی اضطرار را که قاعده مجمع علیه در مذهب امامیه است (هاشمی‌شاهرودی، ۱۴۳۲ ق، ۲: ۶۴۴) جابر ضعف سند می‌داند. نمونه دوم در بحث دیه بینی، میزان دیه در صورت از بین رفتن قسمتی از مارن که متشکل از سه جزء عاجز و منخرین است، بیان شده است. علامه حلی به استناد روایت غیاث بن ابرهیم در بیان قضاوتی از امیرالمؤمنین (ع)، در فرض مسئله برای هر یک از سه قسمت مارن، ثلث دیه کامل را ثابت دانسته است (حلی، ۱۴۲۰ ق، ۵: ۵۷۲). علامه حلی در رجال، غیاث بن ابراهیم را ثقه و بتری مذهب معرفی می‌کند (همان، ۲۴۵). لذا پس از ذکر روایت، غیاث بن ابراهیم را به جهت فساد مذهب تضعیف می‌کند. با این حال پس از نقل روایت گوید: «أَنَّ مَضْمُونَهَا جَيِّدٌ، لِأَنَّ الْمَارِنَ يَشْتَمِلُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ مِنْ جِنْسٍ، فَتَوَزَّعَتِ الدِّيَةُ عَلَيْهَا أَثْلَاثًا» (حلی، ۱۴۲۰ ق، ۵: ۵۷۲). در واقع مضمون روایت در

تقسیم دیده به ثلث در برابر هر یک از سه قسمت مارن، مناسب با مساوات ملائم با طبع عقلانی تشخیص داده شده و موجب جبران ضعف شده است.

ج- وثاقت والای راوی و جبران ضعف خبر

علامه حلی در مواردی با وجود فساد مذهب راوی، به دلیل وثاقت والای راوی، روایات وی را در صورت عدم تعارض با ادله قوی‌تر معتبر می‌داند. در این موارد وثاقت راوی خود موجب جبران فساد مذهب است. ریشه جبران ضعف خبر موثق از طریق وثاقت والای راوی را باید در عبارات کشی جستجو کرد. وی در معرفی سه نسل از اصحاب ائمه (ع)، به ویژه امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، با اشاره به اجماع علمای شیعه در سده نخست بر اعتبار علمی و فقهی گروهی خاص از اصحاب- معروف به اصحاب اجماع- مبنایی را پایه نهاد. کاربست این اجماع به عنوان قرینه‌ای مهم، ضعف‌های سندی در بخش پس از راوی تا معصوم را جبران می‌کند؛ بدین معنا که وثاقت و منزلت این راویان چنان است که روایات آنان به صرف اعتبار شخص راوی پذیرفته می‌شود. نکته قابل توجه آن‌که برخی از اصحاب اجماع حتی با وجود فساد مذهب، به دلیل وثاقت و جایگاه رفیع، در زمره این گروه قرار گرفته‌اند (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۰۷، ۶۷۳، ۸۳۰).

این رویکرد در کلام کشی را می‌توان سرآغاز تعامل ایجابی فقه‌های متأخر با روایات راویان فاسدالمذهب بر پایه وثاقت ولای آنان دانست. همسو با این نگاه، محقق حلی در بررسی اخبار موثق، با وجود اشاره به فساد مذهب راوی به عنوان عامل ضعف خبر، جایگاه والای راوی را در صورت عدم تعارض، موجب اعتبار خبر می‌داند (محقق حلی، ۱۳۶۴ش، ۱: ۶۲).

در آثار علامه حلی نیز توجه به وثاقت والای راوی در جبران ضعف خبر به روشنی معلوم است. به عنوان نمونه علامه درباره حمیدبن زیاد با اشاره به واقفی مذهب بودن وی، با اشاره به عبارات شیخ طوسی و نجاشی که حمید را ثقه، عالم و جلیل‌القدر خوانده‌اند (حلی، ۱۴۲۰ق، ۵۹). نسبت به پذیرش روایات حمید گوید: «فَالْوَجْهُ عِنْدِي قَبُولُ رَوَايَتِهِ إِذَا خَلَّتْ عَنِ الْمَعَارِضِ» (همان). در واقع وثاقت والای حمیدبن زیاد باعث اعتماد نسبی علامه به روایات وی در غیر تعارض شده است. مشابه چنین عملکردی در آثار محقق حلی نیز مشاهده می‌شود (محقق حلی، ۱۳۶۴ش، ۱: ۶۲). نمونه‌ای دیگر در رجال علامه حلی مدخل أبان بن عثمان أحمر است که علامه با وجود ناووسی مذهب بودن راوی، به دلیل قرار گرفتن در زمره اصحاب اجماع، روایات أبان بن عثمان را علی‌رغم

فساد مذهب معتبر می‌داند (حلی، ۱۴۲۰ق، ۲۱). مشابه چنین رویکردی بلکه با تأکید بیشتر نسبت به علی بن حسن فضال (همان، ۹۳) و عبدالله بن بکیر (همو، ۱۴۲۰ق، ۱۰۶؛ همو، ۱۴۱۲ق، ۲: ۱۳۳) مشاهده می‌شود که وثاقت بر فساد مذهب آنان غلبه یافته است. علامه حلی در فقه مطابق همین رویکرد در موارد مختلفی بر اساس مبنای اصحاب اجماع به روایات أبان بن عثمان عمل کرده است (حلی، ۱۴۱۳ق، ۲: ۲۰۸؛ ۳: ۱۴۳، ۴۴۰). همچنین در تطبیقات فقهی مواردی یافت می‌شود که روایات أبان بن عثمان به جهت فساد مذهب تضعیف شده است (همو، ۱۴۱۳ق، ۳: ۴۳۴؛ ۶: ۲۸۹؛ همو، ۱۴۱۲ق، ۲: ۳۸۹) با این حال همگی در فضای تعارض با روایات صحیح رخ داده است. این رفتار کاملاً هم‌سو است با آنچه در مدخل حمید بن زیاد آمده است؛ به این معنا که روایت راویان دارای جلالت قدر در صورت خالی بودن از معارض، معتبر است.

د- مشابهت مضمونی و جبران ضعف خبر

علامه حلی در تطبیقات فقهی متعدد به جهت مشابهت مضمون روایت موثق با اخبار صحیح و حسن، ضعف سند را جبران می‌کند. پیش از علامه حلی، نخستین بار طرح مسئله عمل به روایات راویان فاسدالمذهب بر پایه مشابهت مضمونی، توسط شیخ طوسی ارائه شد. وی در یک پاسخ به منتقدان عمل به روایات راویان ثقه و فاسدالمذهب، تصریح می‌کند که پذیرش این روایات منوط به همراهی آن با روایات معتبر از سوی راویان دارای اعتقاد صحیح است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۳۴).

علامه حلی در ادامه رویکرد شیخ طوسی در آثار فقهی خود، غالباً از تأثیر مشابهت مضمونی در نحوه استدلال و چنینش ادله صحیح در کنار روایت موثق استفاده کرده است (حلی، ۱۴۱۳ق، ۴: ۹۰، ۲۲۶؛ همو، ۱۴۱۲ق، ۵: ۲۳۹). با این حال در مواردی هم به صراحت به این مطلب اشاره شده است. به عنوان نمونه در کتاب النکاح آن‌جا که پس از نقل روایت عمار سبابی با اشاره به ضعف روایت به جهت فساد مذهب راوی در مقام جبران ضعف خبر موثق آمده است: «وَرَوَايَةُ الشَّيْخِ ضَعِيفَةُ السَّنَدِ، لَكِنْ يَعْضُدُهَا مَا تَقَدَّمَ مِنَ الرُّوَايَاتِ الدَّالَّةِ عَلَى التَّحْرِيمِ» (حلی، ۱۴۱۳ق، ۷: ۶۰).

از جمله ثمرات مهم جبران ضعف خبر موثق از طریق مشابهت با خبر صحیح و حسن، امکان به‌کارگیری خبر موثق در فرایند تکثیر ادله هنگام تعارض اخبار است. در توضیح مطلب باید گفت که علامه حلی به تبع شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۶۳ش، ۳: ۹۵) در مباحث تعارض نه‌ایة الوصول، از جمله وجوه رجحان یکی از دو خبر متعارض را تحت

عناوین «المعتضد بحديث سابق أرجح» (حلی، ۱۴۲۵ق، ۵: ۳۰۸) یا «الترجیح بکثرة الأدلة» (همان، ۵: ۲۹۰) بیان می‌کند. نکته ترجیح به کثرت ادله بر این پایه استوار است که کثرت دلیل بیانگر فراوانی راویان در طرف اکثر است که در این صورت ظن حاصل از خبر واحد افزون تر و عمل به آن دارای اولویت خواهد شد (ذوقی و همکاران، ۱۴۰۴ش، ۱۸۳). بر این اساس در مواردی که اخبار صحیح یا حسن دو طرف تعارض به تعداد مساوی باشند، حضور خبر موثق هم‌مضمون با یک طرف پس از جبران ضعف، موجب افزودن ادله آن طرف شده و ترجیح را رقم می‌زند. علامه حلی در مواردی از تطبیقات فقهی با اشاره به فرایند تکثیر ادله در مقام تعارض، خبر موثق را در فرایند مذکور به کار گرفته است (حلی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۴۳۸؛ ۴: ۲۱۴؛ ۵: ۲۲۷؛ ۶: ۱۲۹؛ ۷: ۸۴؛ همو، ۱۴۱۳ق، ۶: ۳۵۰). چنین رویکردی نه‌تنها ضعف سندی روایت موثق را رفع کند، بلکه آن را به عاملی فعال در فرایند استنباط تبدیل می‌کند.

س- اصول عملیه و جبران ضعف خبر

علامه حلی در تطبیقات فقهی متعدد روایت موثق را به دلیل هم‌سویی با اصول عملیه همچون أصالة الطهارة (حلی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۴۶۱)، أصالة الحل (همان، ۸: ۳۳۵)، أصالة البراءة (همان، ۲: ۱۷۲؛ ۷: ۳۵، ۵۵)، أصالة الإشتغال (حلی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۴۲۶؛ ۷: ۴۷؛ همو، ۱۴۱۳ق، ۲: ۷۶) و استصحاب (حلی، ۱۴۱۳ق، ۸: ۹۵) معتبر دانسته است.

در تبیین این رویکرد باید گفت که معمولاً در هر مسئله فقهی با توجه به ویژگی‌های خاص آن، یکی از اصول عملیه قابل تطبیق است. هرگاه محتوای یک روایت موثق نه در جزئیات، بلکه در مضمون کلی مستفاد از متن روایت با اصل عملی ثابت‌شده در آن مسئله هم‌سویی داشته باشد، این هماهنگی می‌تواند به عنوان قرینه‌ای فراسندی در اعتبارسنجی روایت مورد توجه قرار گیرد. اهمیت این قرینه در آن است که روایت موثق را حتی در جزئیات مضمونی آن معتبر می‌سازد. توجه به انطباق محتوای روایت با اصول عملی به عنوان قرینه‌ای فراسندی، پدیده‌ای نو در اندیشه علامه حلی نبوده بلکه پیش از وی نیز فقیهانی همچون ابن‌ادریس حلی و محقق حلی به این رویکرد پرداخته‌اند. ابن‌ادریس حلی در مسئله تکبیر ایام عید با استناد به اصل برائت ذمه، تکبیر را واجب نمی‌داند. ابن‌ادریس در این مورد می‌نویسد: «وَالْأَخْبَارُ نَاطِقَةٌ عَنِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ (ع) بِالْإِسْتِحْبَابِ دُونَ الْفَرَضِ وَالْإِجَابِ، يُعَضِّدُهُ دَلِيلُ بَرَاءَةِ الذِّمَّةِ وَ يُؤَيِّدُهُ». وی به دلیل هماهنگی محتوای روایات دال بر استحباب تکبیر با عدم وجوب ناشی از اصل برائت،

روایات را به جهت هم‌سویی با اصل، مبنای استنباط قرار داده است (ابن‌ادریس حلی، ۱۳۸۷ ش، ۸: ۴۶۳). محقق حلی در مسئله طهارت غسل آب حمام قائل به طهارت غسله است. مستند روایی او، روایت مرسلی از یحیی واسطی است. محقق حلی در کنار این روایت مرسل، به اصل طهارت آب نیز استناد می‌کند که بر اساس آن، غسله تا زمانی که نجاست آن به طور قطعی ثابت نشده باشد، پاک است. محقق حلی در ادامه صراحتاً بیان می‌کند: «وَهِيَ [الرَّوَايَةُ] وَإِنْ كَانَتْ مُرْسَلَةً، إِلَّا أَنَّ الْأَصْلَ يُؤَيِّدُهَا» (محقق حلی، ۱۴۱۲ اق، ۲: ۲۹۶). این عبارت به روشنی نشان می‌دهد که اصل عملی، ضعف ارسال روایت را جبران کرده و به آن اعتبار بخشیده است. به لحاظ تطبیقی در آثار علامه حلی عمدتاً در نحوه استدلال و چنینش ادله از قرار دادن یک اصل عملی در کنار روایت موثق، جبران ضعف صورت پذیرفته است (حلی، ۱۴۱۳ اق، ۴: ۱۸۷، ۲۲۶؛ همو، ۱۴۱۲ اق، ۵: ۲۹۳). با این حال در مواردی هم به صراحت با عباراتی همچون «يُؤَيِّدُهَا الْأَصْلُ» (حلی، ۱۴۱۳ اق، ۲: ۴۲۷) یا «لِتَضْمُنْهَا الْأَصْلُ» (همان، ۸: ۳۳۵) بر نقش اصل عملی در تقویت روایت تأکید شده است. نمونه گویای این روش در کتاب الصيد مختلف الشیعة مشاهده می‌شود؛ آن‌جا که روایت عمار سبابطی با ضعف سند ناشی از فساد مذهب راوی جواز خوردن غذایی را نقل می‌کند که در آن گوشت همراه با طحال پخته شده، مشروط به عدم نفوذ خون. سپس علامه حلی با التفات به ضعف سند در مقام جبران آن گوید: «وَهَذِهِ الرَّوَايَةُ لَا بَأْسَ بِالْعَمَلِ بِهَا لِتَضْمُنْهَا الْأَصْلُ» (همان، ۸: ۳۳۵) از آن‌جا که مضمون روایت عمار حاوی حکم جواز اکل بوده و هم‌سو با أصالة الحل به عنوان اصل جاری در مسئله است، علامه حلی عمل به روایت موثق را جایز می‌شمارد.

۲-۲-۲-۲. تعامل ایجابی با خبر موثق در احکام غیر الزامی

علامه حلی در احکام غیر الزامی فقهی گاه بدون ارائه قرینه یا شاهد جبران‌کننده ضعف سند، صرفاً بر اساس خبر موثق فتوا داده است. گرچه در زمان علامه حلی قاعده‌ای تحت عنوان تسامح در ادله سنن به صورت مدون مطرح نبوده است، با این حال پیشینه این نگرش در آثار فقهی پیش از وی مانند سیدبن طاووس قابل ردیابی است. سیدبن طاووس به کاربرد اخبار «من بلغ» (صدوق، بی‌تا، ۱۶۰) در جهت عمل به روایات ضعیف در حوزه سنن شرعی تصریح دارد (ابن‌طاووس، ۱۴۰۶ اق، ۱۱؛ همو، ۱۳۷۶ ش، ۳: ۴۷). اگرچه علامه حلی تصریح مستقیمی بر اعتبار خبر موثق در غیر الزامیات ندارد، با این حال عملکرد فقهی وی گویای اعتماد به خبر موثق عاری از قرینه در حوزه احکام غیر الزامی

است. مواردی همچون استحباب غسل مولود هنگام ولادت (حلی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۴۷۸)، کراهت نقاب زدن زن در نماز در حال اختیار (همان، ۴: ۲۶۰) و دیگر فروعات مشابه (همان، ۱: ۲۵۲؛ ۲: ۲۱۵؛ ۴: ۳۴۴؛ ۵: ۳۲۹) تنها با استناد به یک خبر موثق اثبات شده‌اند. این چنین عملکرد عملی علامه، حاکی از پذیرش ضمنی مبنای عمل به اخبار ضعیف و از جمله آن‌ها خبر موثق در محدوده سنن و احکام غیر الزامی است. بدین ترتیب، علامه حلی در عین پای‌بندی نظری به عدم حجیت مستقل خبر موثق، در عرصه تطبیق فقهی با تفکیک میان عرصه الزامیات و غیر الزامیات، در بهره‌گیری از این گونه اخبار در حوزه دوم مبنای موسعی دارد.

۳. نتیجه‌گیری

پس از مطالعه و بررسی دقیق کتب مختلف اصولی، رجالی و فقهی علامه حلی نسبت به اعتبارسنجی خبر موثق دستاوردهای ذیل قابل ذکر است:

- ۱- علامه حلی به لحاظ دیدگاه اصولی و رجالی، خبر واحد موثق را به دلیل عنصر فساد مذهب راوی حجت نمی‌داند، با این حال تعامل فقهی علامه حلی در خبر موثق به گونه‌ای است که پایبندی به نظریات اصولی و رجالی مؤلف کاملاً مشهود است.
- ۲- در تعاملات فقهی علامه حلی با خبر موثق دو گونه تعامل سلبی و ایجابی نسبت به خبر موثق مشاهده می‌شود. در هر دو تعامل، شواهد و نشانه‌ها حاکی از تبعیت علامه حلی از عملکرد شیخ طوسی در مواجهه با خبر موثق است.
- ۳- علامه حلی در تعامل سلبی با خبر موثق و اعمال نظریه عدم حجیت خبر موثق، در بیش از ۹۰ درصد از تطبیقات فقهی، مشابه با دیدگاه شیخ طوسی، خبر موثق را در تعارض با اخبار صحاح و حسان یا فتوای فقهای امامیه کنار نهاده است.
- ۴- علامه حلی در تعامل ایجابی با خبر موثق با التفات به نظریه عدم حجیت خبر موثق، در تطبیقات فقهی مربوط به احکام الزامی تنها در صورت جبران ضعف خبر موثق به کمک رویکرد انضمام قرائن، حجیت را به خبر موثق اعطا می‌کند. علامه حلی در رویکرد انضمامی و مصادیق آن، باز هم به تبع شیخ طوسی رفتار کرده است.
- ۵- علامه حلی در پاره‌ای از تطبیقات فقهی در حوزه احکام غیر الزامی به جهت پذیرش مبنای تسامح در ادله سنن در عمل، طبق خبر موثق فتوا داده است و قرینه‌ای را در جهت جبران ضعف خبر موثق لازم ندانسته است.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منفعی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: انصاریان، قم، اسوه، ۱۳۸۳ ش.
- آبی، حسن بن ابیطالب، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۸ ق.
- ابن ادریس، محمد، موسوعة ابن ادریس الحلّی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ ش.
- ابن زهدری حلّی، جعفر بن زهدری، ایضاح ترددات الشرايع، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
- ابن سعید حلّی، یحیی بن احمد، نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه والنظائر، نجف، مطبعة الآداب، بی تا.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الدرر الوقیة، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۵ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۷ ق.
- اعرجی، عبدالمطلب بن محمد، كنز الفوائد فی حل مشكلات القواعد، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۱۶ ق.
- افراخته، محمد حسین. "چرايي تقسیم‌بندی حدیث و رویکرد فراسندی در تعامل با روایات". چاپ شده در کتاب بازشناخت مبانی اصالت میراث حدیثی امامیه، مولف: حامد فرج‌پور، (۱۳۹۷ ش): ۲۸۷-۳۲۷.
- تقی‌الدین حلّی، حسین بن علی، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- حب الله، حیدر. "علامه حلّی و ریشه‌های شکل‌گیری مکتب سند در تفکر امامی". فقه اهل بیت، ۴۹ (۱۳۸۶ ش): ۱۲۳-۱۵۹.
- حسین پوری، امین، حدیث ضعیف، قم، دارالحدیث، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ش.
- حلّی، حسن بن یوسف، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية، قم، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۰ ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، تهذیب الوصول الی علم الأصول، لندن، مؤسسه الإمام علی (ع)، ۱۳۸۰ ش.
- حلّی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلّی، قم، الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، غایة الوصول و ایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی السؤل و الأمل لابن الحاجب، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۳۰ ق.

- حلی، حسن بن یوسف، مبایذ الوصول إلى علم الأصول، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۴ق.
- حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، جماعة المدرسين فی حوزة العلمية، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، آستانة الرضویة المقدسة، ۱۴۱۲ق.
- حلی، حسن بن یوسف، نهاية الوصول إلى علم الأصول، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۵ق.
- ذوقی، انسیه، محمدهدی تقدیسی، و سیده فاطمه حسینی میرصفی. "جستاری در مصادر و قواعد فہم حدیث در آثار علامہ حلی (ره)". مطالعات فہم حدیث ۱۱، ۲۲ (۱۴۰۴ش): ۱۶۹-۱۸۷. doi: 10.30479/mfh.2025.20596.2389
- شہید ثانی، زین الدین بن علی، الرعاۃ فی علم الدراۃ، قم، مکتبۃ آیۃ اللہ مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
- شہید ثانی، زین الدین بن علی، رسائل الشہید الثانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم، ۱۳۷۹ش.
- شہید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفہام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیہ، ۱۴۱۳ق.
- صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، تہران، مکتبۃ الصدوق، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی، من لا یحضرہ الفقیہ، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تہران، دار الکتب الإسلامیہ، چاپ چہارم، ۱۳۶۳ش.
- طوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، قم، محمدتقی علاقندیان، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تہذیب الأحکام، تہران، دارالکتب الإسلامیہ، چاپ چہارم، ۱۳۶۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن، فہرست کتب الشیعة و أصولہم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، قم، مکتبۃ المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
- علم الہدی، سید محمد صادق. "سیر تاریخی حجیت خبر واحد در اصول شیعہ". پژوہش ہای اصولی ۵، ۱۷ (۱۳۹۲ش): ۱۲۰-۱۳۸.
- علم الہدی، سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
- فاضل مقداد، فاضل بن عبد اللہ، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم، مکتبۃ آیۃ اللہ مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
- مامقانی، عبد اللہ، مقباس الہدایۃ فی علم الدراۃ، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۱ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، المعبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سید الشہدا (ع)، ۱۳۶۴ش.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، النہایۃ و نکتہا، قم، جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، ۱۴۱۲ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، معارج الأصول، لندن، مؤسسه امام علی (ع)، ۱۴۲۳ق.
- مصطفوی فر، حامد، و مہدی عبادی. "چگونگی مواجهہ علامہ حلی با اخبار آحاد". فقه و اصول ۵۵، ۱۳۳ (۱۴۰۲ش): ۱۶۷-۱۹۰. doi: 10.22067/jfiqh.2021.70738.1122
- مصطفوی فر، حامد، و مہدی عبادی. "اکاوی سیر تطوّر نظریہ انجبار در مکتب حلہ". مطالعات قرآن و حدیث ۱۶، ۳۱ (۱۴۰۱ش): ص ۳۳۱-۳۶۱. doi: 10.30497/qhs.2022.242725.3563
- مفید، محمد بن محمد، مختصر التذکرۃ بأصول الفقه، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- میرزائی، محمد، و احمد ابراہیمی زادہ. "جایگاہ مفاہیم علم و ظن در اعتبارسنجی خبر واحد". مطالعات فہم حدیث ۳، ۶ (۱۳۹۶ش): ۱۰۳-۱۲۱. doi: 10.30479/mfh.2017.1163
- ہاشمی شاہرودی، سید محمود، موسوعة الفقه الإسلامی المقارن، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اہل بیت (ع)، ۱۴۲۳ق.